



شود.

در تاریخ اسطوره‌ای، بنیاد شهر را به جمشید پیشدادی و تجدید بنای آن را به طوس بن نوذر نسبت می‌دهند که نام محل نیز از وی گرفته شده است.^۲

عنوان حکمران طوس از دوره ساسانی اسپهبد کنارنگ^۳ بوده است.

بعد از ورود اسلام به سرزمین خراسان و سقوط حکومت‌های محلی، بخش طابران و توابع آن به سال ۲۹ هجری به دست مسلمین و به فرماندهی عبدالله بن کریز فتح شد.

در زمان خلافت ولید بن یزید حکومت طوس با حسن بن زید تیمی بود.

در دوره هارون و مامون عباسی شخصی به نام حمید بن قحطیه والی خراسان و حاکم طوس بود، ابوالحارث ارسلان جازب سردار دوره اقتدار غزنویان، امیر منطقه طوس بوده و مقبره وی در ۳۵ کیلومتری شرق مشهد و نزدیک سنگ بست تا کنون باقی مانده است. یکی از معروفترین حاکمان طوس که در آبادانی آن سعی زیاد میدول داشته ابومنصور عبدالرزاق طوسی از خاندان کنارنگیان بوده است. طوس چندین مرتبه مورد حمله و تخریب قرار گرفته که از جمله دردناکترین و غم‌انگیزترین آنها حمله غزها و مغول‌ها و آخرین مرحله، یورش تیمور را می‌توان نام برد. طوس توسط تولوی پسر چنگیز تخریب و در زمان اوغوی جانشین وی تجدید

مختصری از سابقه

تاریخی ناحیه

طوس

شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

که به صور طبران، تابران و طوران نیز آمده است به دلیل قرار گرفتن بر حاشیه شمالی کشف رود و نزدیکی به چشمه گیلاس (گل اسب)، و موقعیت مناسب جغرافیایی بزرگتر از بخش‌های دیگر و مرکز و حاکم نشین شهرستان طوس بوده است.

تاریخ دقیق طابران (طوس) بدرستی مشخص نیست اما مسلماً در دوره ساسانی یکی از آبادترین بخش‌های ایران بوده و امید است که قدمت اولیه و دقیق آن بعد از

خراسان که به معنی شرق و جایگاه طلوع خورشید است؛ یکی از ایالات بزرگ ایران بوده که بخش‌هایی از آن بعدها منفک شده است. یکی از ولایات و یا به مفهوم امروزی شهرستان‌های این ایالت، ناحیه طوس بوده است. طوس مشتمل بر چهار بخش طابران، توقان (نوغان)، طبقه^۱ و رادکان می‌شده است. طوس را در زمان یزدگرد سوم کنارنگ می‌خواندند و کلاویخو سیاح قرن هشتم در سفرنامه اش از آن به نام بوئلواسم برده است. بخش طابران

عمارت، ومدتی مقرر فرمانروایان مغولی (ایلخانان) بود. بعد از سقوط مغولهای ایران، طوس با قوجان و کلات و ابیورد و سناء و واحه مرو، جزو قلمرو دولت کوچک ارغونشاه بود که فرزند و جانشین وی به دست تیمور ساقط و به قتل رسیدند.

بعد از ضربه ویرانگر سپاهیان تیمور و قتل عام مردم طابریان عده‌ای از مردم که از دم تیغ جان سالم بدر برده بودند به جوار تربیت پاک ثامن الحجج (ع) کوچ کرده و در اطراف شهر نوقان و حرم مطهر سکونت اختیار کردند. بخشی از قلعه طوس بعد از تیمور بصورت ساده بازسازی شد که دیگر عظمت گذشته را نداشت.

در زمان شاهرخ تیموری شخصی به نام خواجه سید میرزا مجدداً مأمور تجدید عمارت طوس و اسکان مردم مهاجر در آنجا شد که چون با عدم رضایت مردم ساکن در اطراف حرم مطهر برای برگشت به طوس مواجه شد، با رضایت شاهرخ حصار بر اطراف خانه های گلی جدیداً احداث جوار مرقد متور امام رضا (ع) ایجاد کرد.

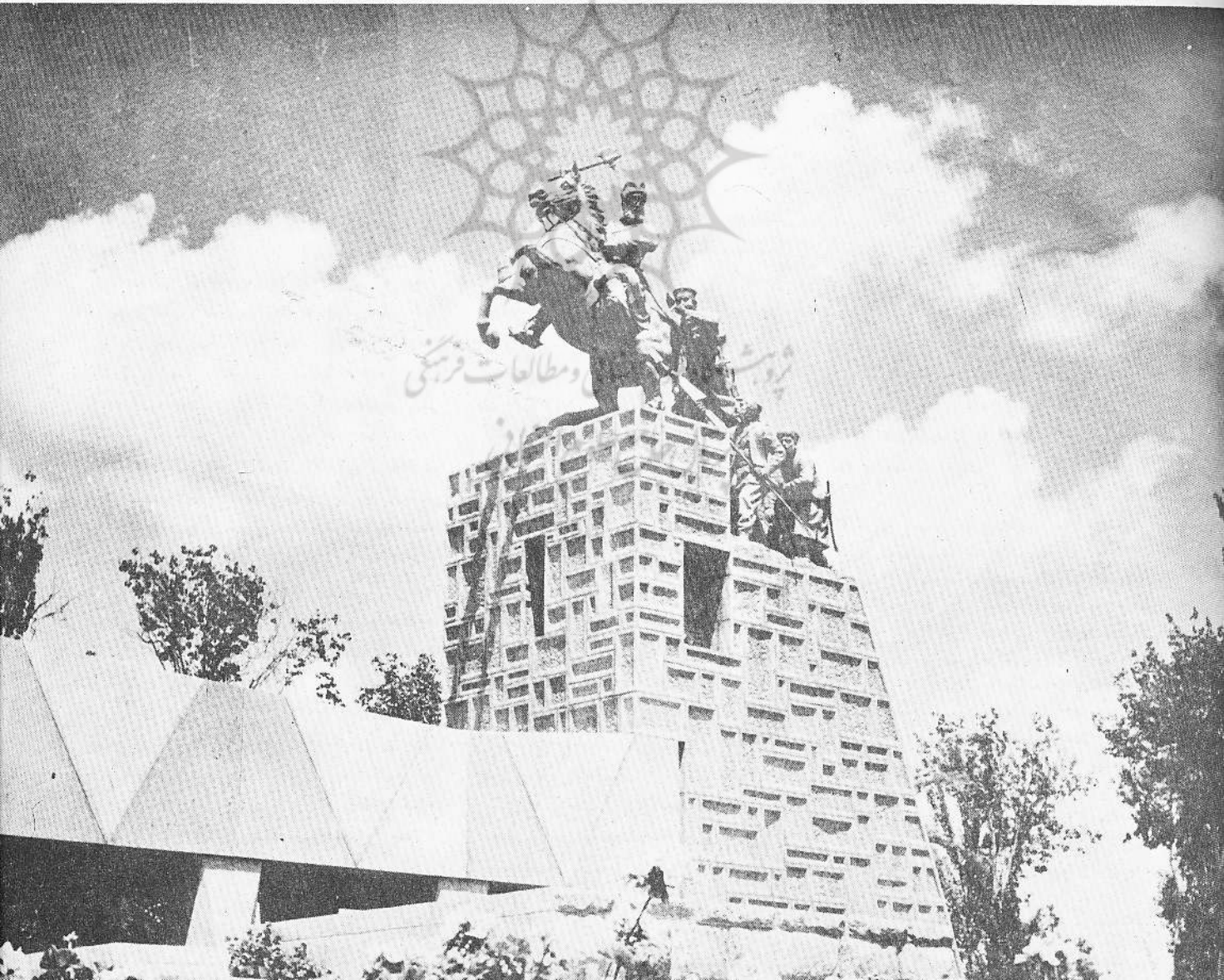
این موضوع و همچنین تصریح بعضی از مورخان قرن هشتم و نهم درباره طوس و کشف سکه های دوره ایلخانان مغول در این ناحیه و بخصوص وجود یک سکه ایلخانی ضرب طوس در حوزه ملی ایران و مطالب سیاحان قرن هشتم گواه بر ادامه حیات طابریان در بعد از حمله مغول تا نیمه اول قرن نهم می باشد که دارای سکونت و جمعیت و آبادانی بوده است اما از نیمه دوم قرن نهم تقریباً نام طابریان از طوس به عنوان یک شهر از صفحه جغرافیایی حذف و جای خود را به شهر جدید مشهد طوس یا مشهد مقدس می دهد.

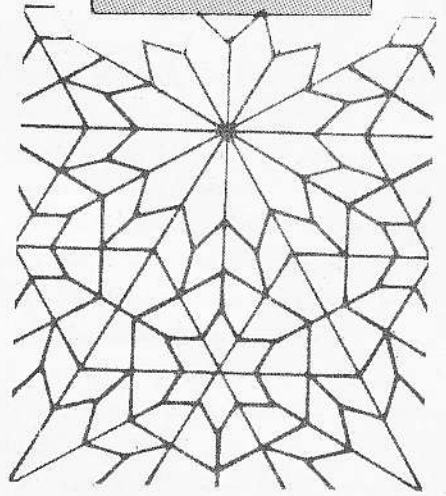
شهر طابریان دارای دروازه بوده که از معروفترین آنها دروازه رزان و دروازه رودبار و دروازه نوبهار را می توان نام برد، دارای پنج محله بوده که محله های اسفندیان، رودبار و کوی ترسایان از جمله آنهاست.

بیشترین رونق و آبادانی شهر در قرون سوم تا هشتم هجری بوجود آمده و بازارها و بناهای بزرگ نشانی از عظمت شهر و نظاره گر تلاش و زندگی در آن بوده اند.

این بطوطه سیاح مغربی آن را از بزرگترین مراکز خراسان شمرده و کلاویخوان را شهری آباد و پر جمعیت ترین آبادی بین سلطانیه تا این ناحیه دانسته است. یکی از معروفترین بناها، مدرسه منصوریه بوده و انوری سخنور نامی نیز در آنجا تحصیل می کرده و در وصف آن قصیده و اشعاری دارد که متأسفانه هیچ اثری از آن بنا باقی نمانده است. روستاهای آباد با محصولات و آب فراوان و میوه های خوب نیز بر اهمیت و پیشرفت آن می افزوده اند.

دانشمندان و شعرای بزرگی در این شهر پرورش یافته و زندگی می کرده اند که برای مثال حمدالله مستوفی نوشته است که «در جانب قبله طوس سه هزار ولی ابوبکر نام در مزارات دروازه رودبار آسوده اند» و این خود دلیلی بر کثرت رجال و دانشمندان بزرگ در این محل است و از معروفترین آنها می توان استاد سخن ابوالقاسم فردوسی، امام محمد غزالی و احمد غزالی و معشوق طوسی و خواجه نصیرالدین طوسی، خواجه نظام الملک، محمد بن اسلم و جابر بن حیان را نام برد.





آثار مهم بر جای مانده از شهر طابران عبارتند از:

۱- مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر بزرگ و سراینده شاهنامه حماسی و اخلاقی که قبر وی در باغ ملکی خودش در نزدیک دروازه رزاک در داخل حصار شهر قرار داشته^۵، مقبره‌ای با گنبد کوچک و کاشی ساده وجود داشته که به مرور از بین رفته و بنای فعلی در دوران معاصر ایجاد شده است.

۲- آثار حصار قدیمی شهر از گل ورزیده که حدود شش کیلومتر طول آن با دروازه‌هایی که ذکر شد دارای صد و شش برج بوده و ضخامت پائین دیوارها بیش از پنج متر بوده‌اند. قسمتهایی از این آثار تا کنون باقی و تحت حفاظت می‌باشد. در گوشه شمال شرقی در داخل حصار قسمتهایی از آثار معماری گلی روستایی از دوره قاجاریه نیز پابرجاست.

۳- آثار ارگ طوس که مرکز حکومتی شهر بوده و عبارت از خندق و حصار بیرونی با دروازه و برجهای گلی و در مرکز آن قلعه ارگ با برج و بارو و آثار معماری درون ارگ می‌باشد و متأسفانه بر اثر خاک برداری برای کشاورزی و حفاریهای غیر مجاز در گذشته بیشتر آثار از بین رفته و یا مخدوش شده است که با همین حال چنانچه کاوشهای علمی صورت گیرد، بخشهایی از معماری مدفون و نقشه اصلی کشف و مشخص می‌شود. از ظاهر بافت آثار و فرسودگی طبیعی حصار و برجها و برداشت گمانه‌زنی عملی که اخیراً توسط هیأت باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور انجام گرفته است این گونه استنباط می‌شود که این ارگ در دوره ایلخانی با استفاده از آجر و خشت خام ایجاد شده و مجدداً در اوایل دوره تیموری بر روی آن آثار خشت و گلی به وجود آمده است.

۴- بنای معروف به هارونیه: این اثر ارزشمند تنها اثر زیبایی معماری با گنبد دو پوشه است که از شهر طابران باقی مانده و با مرمتی که در سالهای گذشته انجام گرفته از خطر انهدام نجات یافته است. بعضی از محققان و باستان‌شناسان بنای هارونیه را با توجه به فرم معماری مربوط به قرن هفتم (در دوره ایلخانی) دانسته‌اند اما سوابق تاریخی و هدف از احداث آن قدمت بیشتری را

بازگو می‌کند. این اثر زمانی به تقاره‌خانه گاهی به قبه هارونی معروف بوده و بعضاً سیاحان فرنگی عمارت مجهولش نامیده‌اند و بعدها در افواه عمومی به هارونیه معروف شده است، علت و دلیل ظاهری شهرت نام هارونیه بدروستی معلوم نیست اما عده‌ای از مردم عوام می‌پنداشته‌اند که اینجا محل دفن هارون الرشید است در حالی که محل دفن هارون کاملاً واضح است که در داخل حرم حضرت رضا (ع) بوده و حتی صندوق قبر وی تا اوایل قرن هشتم وجود داشته است، عده‌ای هم معتقد بوده‌اند که اینجا زندان هارون و محل دفن سرهای شصت نفر سید شهید بدست حمید بن قحطبه بوده است که این هم صحیح نیست، چون اصلاً بنا و ترکیب آن به زمان خلافت هارون نمی‌رسد^۶، برخی از محققان اظهار داشته‌اند که چون اینجا محل خاتقاه خواجه عثمان بن هارون بوده لذا به نام پدر او هارونیه نامیده شده است. به هر حال هم اکنون در بین اهالی، بیشتر همان اعتقاد مذهبی وجود دارد و آنجا را به عنوان زندان هارون و به این مناسبت هارونیه می‌نامند.

در کاربری بنا و هدف از ایجاد آن نیز اختلاف نظر وجود دارد، برخی اینجا را مدرسه و یا خانقاه امام محمد غزالی و برخی بر اساس مطلبی از کتاب مهمانخانه بخارا و یا وجود سنگ قبری که در اینجا بوده است آن را مقبره وی می‌دانند و بعضی هم آن را باقیمانده مسجد جامع طابران دانسته‌اند که توسط امیر عبدالرزاق طوسی بنیاد تزیین شده و بعداً به دستور خواجه نظام الملک که اهل رادکان طوس بوده، عمارت آن تجدید بنا شده است. از مجموع مطالب تاریخی و وضع فعلی بنا، می‌توان نتیجه گیری کرد که این مکان بخشی از یک مجموعه معماری شامل مسجد و خانقاه و مدرسه بوده است که از آنها همین اثر باقی مانده و مابقی ملحقات به مرور زمان و بر اثر عوامل طبیعی و یا استفاده از مصالح ساختمانی از بین رفته‌اند.

مواردی که این موضوع را اثبات می‌کند عبارتند از:

الف- در بعضی کتب تاریخی آمده که قبر امام محمد غزالی و احمد غزالی و معشوق طوسی و مقبره فردوسی در جانب شرقی طابران بوده و در حال حاضر نیز محلی دیگر در محوطه داخل حصار طوس و خارج از محدوده هارونیه در بین اهالی، معروف به قبر غزالی است. بنابراین بعید نبوده که سنگ قبر ذکر شده به این مکان منتقل شده باشد با توجه به اینکه در حین مرمت بنا و در ضمن خاکبرداری و کف سازی مجدد داخل بنا به قبری برخورد نشده است.

ب- بر جبهه بیرونی دیوار ضلع شمالی بنا، یک محراب گچی وجود دارد که نشان دهنده یک بخش ساختمانی در آن محل می‌باشد و ایجاد محراب با وضع موجود، آن هم به صورت گچ‌بری در فضای باز منطقی به نظر نمی‌رسد.

ج- در کتاب مطلع الشمس محمد حسن خان صنع الدوله مطلبی به این شرح آورده است که: «در حوالی گنبد مزبور (هارونیه) مناری دیده می‌شود که بنای عالی دارد، آنچه از آن باقی مانده به ارتفاع پانزده الی بیست می‌باشد و آثار و علامتی در آن نیست که بتوان معلوم کرد که در چه زمان بنا شده.» این موضوع بسیار اهمیت دارد که منار مذکور تا اواخر قرن سیزدهم قمری وجود داشته و مربوط به مسجد مذکور بوده است^۷، همچنین فرزند سیاح انگلیسی نیز وجود مناره را در نزدیک مسجد تأیید کرده است.

د- جای مسجد طابران در مرکز شهر که اطراف آن را بازارها احاطه کرده‌اند ذکر شده که با موقعیت فعلی محل هارونیه بیشتر مطابقت می‌کند. یادآور می‌شود طین گفته بعضی از افراد محلی که در هنگام مرمت و محوطه سازی بنای مزبور حضور داشته‌اند، مقدار زیادی آجر و سفال و چند سنگ لوح بزرگ از اراضی اطراف آن کشف شده است که دو سنگ لوح هم اکنون در محل نگهداری می‌شود. علاوه بر آثار مذکور، آثار پراکنده دیگری در فواصل اطراف طابران گذشته و روستاهای طوس و اسلامیه فعلی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: قبرستان و تپه باستانی عاشقان، تپه باستانی هشت، تراب در داخل اراضی مزروعی شرق روستای اسلامیه و برج افنجان (افنگان) که یک مقبره دوره تیموری است در دو کیلومتری شمال شرق طوس و قلعه قدیمی روستای پاژ (فاز) (زادگاه فردوسی) در یک فرسنگی شمال شرقی طوس. آثار باقیمانده یک پل یازده دهنه معروف به پل شاهی بر روی کشف رود بین راه مشهد به کلات نیز از جمله آثار باقیمانده در محدوده مذکور است. همچنین پلی با هشت چشمه بر روی این رودخانه نزدیک دروازه ورودی طابران و راه مشهد وجود داشته که از بین رفته و هم اکنون پل جدیدی در ابتدای بلوار ورودی به آن محل ایجاد شده است. ■

۱- توکان با نام بردعه و المنعب و طرقیه با نام ترغیه و طرقیه و ترغوبه نیز نوشته شده است.

۲- طوس به معنای نام یک نوع گیاه و هم نام یکی از روستاهای بخارا در فرهنگ لغت آمده است.

۳- کازانگ به معنی حاکم ولایت بوده و عنوان مخصوص در زبان ناحیه طوس و ایر شهر با مرکزیت نیشابور بوده است.

۴- ذکر مشهد باید کلمه مقدس (مشهد مقدس) برای اولین مرتبه در نوشته‌های یاسنفر میرزا شاهزاده تیموری آمده است.

۵- پس از فوت فردوسی قبه شهر به جرم اینکه وی شیعه بوده اجازه دفن در قبرستان شهر را نمی‌دهد و او را در باغ شخصی وی دفن می‌کنند و در زمان حیاتش نیز مخالفش نزد سلطان محمود به عنوان راضی از او بدگویی می‌کنند.

۶- این اعتقاد در بین اهالی در بین اهالی و ساکنان فعلی در جهت جلوگیری از تخریب کامل بنا و حمل آجر آن از محل کمک زیادی کرده است.

۷- محمد حسن خان صنع الدوله، مطلع الشمس، ص ۱۹۴.

ہر توانا بود کہ
دانا بود

به دانش دل سپید بر آید بود

توانا بود هر که دانا بود

نفس
فردوس

هر توانا بود کہ دانا بود

توانا بود هر که دانا بود
دانش دل سپید بر آید بود

۶۶
غلام حسین امیر خا